

کتاب دانیال — شماره یکصد و نود و هفت

روند انکشاف نبوی: جمع ثانی مسیح و نقش آخرازمانی اسلام در روایت مکاشفه

Jeff Pippenger

2024-04-29

اکنون تشخیص می‌دهیم که یکی از وقایعی که به‌وسیله هفت رعد به تصویر کشیده شده است، کار مسیح در گرد آوردن قوم خویش برای بار دوم است؛ کاری که او آغاز کرد تا آن را در ژوئیه ۲۰۲۳ انجام دهد. تاریخ میلریتی مشخص می‌سازد که این کار با جنگاوری اسلام به‌عنوان پس‌زمینه پیام به انجام می‌رسد.

پیام، مکاشفه عیسی مسیح است که اندکی پیش از بسته‌شدن زمان آزمایش مهرگشایی می‌شود؛ اما آن پیام به‌وسیله پیام وای سوم حمل می‌گردد (و در چارچوب آن قرار داده شده است). درست در همان زمانی که خداوند در سال 1849 دست خود را برای بار دوم دراز می‌کرد، خواهر وایت درباره تکان‌خوردن امت‌های خشمگین - که نمادی از اسلام است - اظهار نظر می‌کرد.

«۱۶ دسامبر ۱۸۴۸، خداوند منظری از تزلزل قوای آسمان‌ها به من عطا کرد. دیدم که هنگامی که خداوند، در بیان نشانه‌های ثبت‌شده به‌وسیله متی، مرقس، و لوقا، گفت: «آسمان»، مقصودش آسمان بود؛ و هنگامی که گفت: «زمین»، مقصودش زمین بود. قوای آسمان عبارت‌اند از خورشید، ماه، و ستارگان. ایشان در آسمان‌ها حکم می‌رانند. قوای زمین آنانی هستند که بر زمین حکم می‌رانند. قوای آسمان به آواز خدا متزلزل خواهند شد. آنگاه خورشید، ماه، و ستارگان از جای‌های خود به حرکت درخواهند آمد. ایشان از میان نخواهند رفت، بلکه به آواز خدا متزلزل خواهند شد.»

«ابره‌ای تیره و سنگین برآمدند و با یکدیگر برخورد کردند. جو شکافته شد و به عقب غلتید؛ آنگاه توانستیم از خلال آن فضای گشوده در جبار به بالا بنگریم، از جایی که صدای خدا آمد. شهر مقدس از خلال آن فضای گشوده فرود خواهد آمد. دیدم که قدرت‌های زمین اکنون در حال متزلزل شدن‌اند و رویدادها به ترتیب رخ می‌دهند. جنگ، و اخبار جنگ‌ها، شمشیر، قحطی، و وبا نخست قدرت‌های زمین را متزلزل می‌سازند؛ سپس صدای خدا خورشید، ماه، و ستارگان، و نیز این زمین را خواهد لرزاند. دیدم که این متزلزل شدن قدرت‌ها در اروپا، آن‌گونه که برخی تعلیم می‌دهند، متزلزل شدن قدرت‌های آسمان نیست، بلکه متزلزل شدن ملت‌های خشمگین است.» Early Writings, 41

مورخان تأیید می‌کنند که آنچه در سال ۱۸۴۸ ملت‌های اروپا را به لرزه درآورد، فعالیت‌های سپاهیان اسلام بود؛ زیرا از لحاظ نبوی، آنان به‌عنوان آن قدرتی نمادین شده‌اند که ملت‌ها را به خشم می‌آورد. در نخستین شاهد دست‌خداوند که برای بار دوم در تاریخ ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ دراز شد، پیام فریاد نیمه‌شب به گردهمایی اردویی اکستر رسید. از آنجا تا ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، این پیام همچون موجی خروشان سراسر کرانه شرقی ایالات متحده را درنوردید. آن جنبش به‌وسیله ورود ظفرمندان مسیح به اورشلیم نمونه‌سازی شده بود، و این الاغی بود که مسیح را به اورشلیم حمل کرد.

پیام «فریاد نیمه‌شب» نمایانگر تمام پیام نبوی مکاشفه عیسی مسیح است، اما آن مکاشفه در چارچوب اسلام وای سوم قرار داده شده است که امت‌ها را به خشم می‌آورد، زیرا این اسلام است که آن پیامی را حمل می‌کند که همان مکاشفه عیسی مسیح است. عیسی، شیر قبیله یهوداست، و او به پیام «الاغ» پیوسته است.

سنّاتنه کی پتی تیره؛ هگا پر گردن کی شتروآو تیره هاث تیرا؛ کَرهگه سّتوتِ بَایر تیره جسیکی هئ وھی تُو، یهّدا
 ،گیا بّوک وھ؛ هئ آیا چدّ ऊپر سه شکار تُو، پوتر میره هئ؛ هئ شاک کا سَهِ یهّدا کَرهگی۔ دण्डवत आगे तेरे
 राजदण्ड? करेगा साहस का उठाने उसे कौन; गया बैठ दबककर समान के सहि वृद्ध और समान के सहि वह
 का जातियो और; आए न शीलोह तक जब, देनेवाला व्यवस्था से बीच के पांवो उसके न और, हटेगा न से यहूदा
 उत्तम को बच्चे के गधी अपनी और, से दाखलता को बछेड़े अपने वह होगा। पास के उसी होना एकतर
 आंखें उसकी है। धोए मे लोहू के अंगूरो कपड़े अपने और, मे दाखमधु वस्त्र अपने उसने; बांधेगा से दाखलता
 । 49:8-12 उत्पत्ति श्वेत। से दूध दांत उसके और, होगी लाल से दाखमधु

از طریق یهوداست که «گرد آمدن قوم» به انجام می رسد. مسیح، به عنوان یهودا، همچنان «مو» است،
 و «مو برگزیده» به «کره الاغ» بسته شده است. «جامه های» او در «شراب» شسته می شود، که همان
 «خون انگورها» بود. مسیح ریختن خون خود را در جتسیمانی آغاز کرد، آنگاه که عرق او چون خون شد،
 و جتسیمانی به معنای «عصاره گیری زیتون» است. از جتسیمانی تا صلیب، او خون گران بهای خود را
 ریخت تا همه مردمان را نزد خویش گرد آورد.

اکنون داور این جهان است؛ اکنون رئیس این جهان بیرون افکنده خواهد شد. و من، اگر از زمین
 برکشیده شوم، همه را به سوی خود خواهم کشید. او این را گفت تا به چه گونه مرگی که
 می بایست بمیرد اشاره کند. یوحنا ۱۲:۳۱-۳۳

کار مسیح در کشیدن همه مردم نزد خویش، فرایندی دو مرحله ای است؛ زیرا او نخست «رانده شدگان
 اسرائیل» را گرد می آورد، و سپس از ایشان همچون علمی بهره می گیرد تا گله دیگر خود را جذب کند.

هئ، جاننا مژّه پتی جئ سه هئ۔ جاننی مژّه بهّی مری اور، هّ جاننا کو بهّی اپنی مئ اور؛ هّ چرِواھا اچّھا مئ
 इस जो, है भेड़े भी और मेरी और हूँ। देता प्राण अपना लयि के भेड़ों मैं और; हूँ जानना को पति मैं ही वैसे
 चरवाहा ही एक और झुंड ही एक तब और; सुनेगी शब्द मेरा वे और, है लाना मुझे भी उन्हें; है नही की भेड़शाला
 10:14-16. यूहन्ना होगा।

أصد و چهل و چهار هزار نفر همان «گوسفندانی» هستند که او را می شناسند. «گوسفندان دیگر» گله
 او هستند که چون علم را می بینند و می شنوند، از بابل بیرون می آیند. پیش از آنکه او علم خود را
 برافرازد، که همان گوسفندان او هستند، نخست ایشان را برای بار دوم جمع می کند. این خط تاریخ
 مقدس با آیات سیزده تا پانزده از فصل یازدهم دانیال منطبق است، و بنابراین با تاریخ پنهان آیه چهل
 نیز همسو است. این خط نمایانگر سیر شاخ حقیقی پروتستان است که در درون تاریخ شاخ مرتد
 پروتستان، شاخ مرتد جمهوری خواه، و ظهور فاحشه صور جریان دارد، درست پیش از قانون یکشنبه آیه
 چهل و یک. خط شاخ حقیقی پروتستان هم تاریخ را نمایندگی می کند و هم پیامی را که در آن صد و
 چهل و چهار هزار نفر مهر می شوند.

«مطرودان اسرائیل» نمایانگر خطی در تقابل با «جماعت استهزاکنندگان» هستند، چنان که ارمیا آنان را
 چنین معرفی می کند؛ یا آن گونه که یوحنا در مکاشفه، باب های دو و سه، در آنجا که خطاب به
 کلیساهای سیمیرنا و فیلادلفیا است، از ایشان با عنوان «کنیسه شیطان» یاد می کند. فیلادلفیاییان
 نمایانگر «صد و چهل و چهار هزار» در مکاشفه، باب هفت، هستند، و سیمیرنا «آن جماعت عظیم» در
 همان باب است که شمارش پذیر نیست. این دو گروه رستگانی که در ایام آخر هستند، با آنان که دروغ
 می گویند و در کنیسه شیطان اند و مدعی اند که قوم خداوند؛ زیرا می گویند که یهودی
 هستند.

خط شاخ حقیقی پروتستان از مجادله ای تشکیل می شود که میان خود ایشان و قوم عهد پیشین، که در
 آن زمان از آنان عبور می شود، وجود دارد. در همان تاریخ، امینان همچنین با خط پروتستانیسیم مرتد و
 کاتولیسیسم نیز در مجادله اند. آن سه موجودیت دینی، در سطح خرد و در درون خط شاخ حقیقی

پروتستان، اژدها، وحش و نبی کاذب را نمایندگی می‌کنند.

la iglesia nominal y a los adventistas nominales que, como Judas, nos traicionarían 2» ante los católicos para obtener su influencia y venir contra la verdad. Los santos entonces serán un pueblo oscuro, poco conocido por los católicos; pero las iglesias y los adventistas nominales que conocen nuestra fe y nuestras costumbres (pues nos odiaban a causa del sábado, porque no podían refutarlo) traicionarán a los santos y los denunciarán ante los católicos como quienes desprecian las instituciones del pueblo; esto es, que guardan el sábado y desprecian el domingo.» Spalding and Magan, 1, 2»

ما پیش‌تر به این بخش پرداخته‌ایم، و در ضمن آن دریافتیم که تعبیر «کلیسای اسمی» و تعبیر «ادونتیست اسمی» در زمانی که خواهر وایت این کلمات را نگاشت، معنا و کاربردی متفاوت می‌داشت. با این حال، انبیا برای ایام آخر بیش از دوران تاریخی خود سخن گفته‌اند؛ از این رو، در این بخش، کلیسای اسمی در ایام آخر همان پروتستان‌تیسیم مرتد خواهد بود. واژه «اسمی» به معنای «فقط در نام» است.

کلیسای موسوم به پروتستان در سال 1844 از اعتراض به روم بازایستاد، هنگامی که بر ضد ورود به قدس‌الاقداس از راه ایمان شورش کردند؛ جایی که می‌توانستند تشخیص دهند که سبت روز هفتم، روز درست عبادت است. در عوض، آنان پرستش خورشید را نگاه داشتند، که نشان کاتولیسیسم است. «اعتراض» به روم - که یگانه تعریف واژه «پروتستان» است - ناممکن است، اگر نماد اقتدار او را پذیرفته باشید؛ نمادی که کلیسای روم بارها آن را اقتدار خود برای تغییر روز عبادت در کتاب مقدس از سبت روز هفتم به یکشنبه معرفی کرده است.

«ادونتیست‌های اسمی» کسانی‌اند که اظهار می‌کنند ادونتیست روز هفتم هستند، اما همچنین به‌عنوان یهودا شناخته می‌شوند؛ یهودا نماد شاگردی است که به اقرار خود خیانت کرده است. کلیسای اسمی ادونتیست روز هفتم از «مقدسین» نفرت خواهد داشت، و آنگاه آن مقدسین «قومی گمنام» «خواهند بود». آنان از مقدسین گمنام، «به‌سبب سبت»، یعنی حقیقتی که نمی‌توانند آن را «ابطال کنند»، نفرت دارند. حقیقت سبت در تاریخ خواهر وایت، سبت روز هفتم بود، اما این، نمونه‌ای از حقیقت سبت در ایام آخر است که نمی‌توان آن را ابطال کرد، و آن، همان تعلیمی است که نخست از سوی ادونتیسم لائودیکیه‌ای روز هفتم در شورششان در سال 1863 رد شد. آن تعلیم، نخستین حقیقت بنیادی کشف‌شده به‌وسیله ویلیام میلر بود، و نمایانگر حقایق بنیادی ادونتیسم است که ادونتیست‌های اسمی از سلوک در آن‌ها امتناع می‌ورزند، چنان‌که در «راه‌های قدیم» ارمیا به تصویر کشیده شده است. آن حقیقت سبت، همان «هفت زمان» در لاویان بیست‌وشش است.

شجره پروتستان‌تیسیم حقیقی که از فیلادلفیا و اسمیرنا تشکیل شده است، به‌وسیله کسانی که به‌صورت یهودا معرفی شده‌اند، خیانت می‌شود. یهودا سه بار تعهد کرد که به عیسی خیانت کند، و بدین‌سان خیانتی تدریجی را مشخص می‌سازد که پیش از صلیب آغاز شد و بر صلیب به پایان رسید. آیه شانزدهم دانیال یازده نمایانگر قانون یکشنبه است، که صلیب نمونه آن بود. بنابراین، در آیاتی که به قانون یکشنبه آیه شانزدهم، که همان قانون یکشنبه آیه چهل‌ویکم نیز هست، منتهی می‌شوند، خیانتی سه‌مرحله‌ای بر مقدسان ایام آخر وارد می‌شود. این خیانت در دوره‌ای رخ می‌دهد که خداوند برای بار دوم علم ایام آخر خود را گرد می‌آورد.

و در آن روز، ریشه یسی برپا خواهد شد تا علمی برای قوم‌ها باشد؛ امت‌ها او را خواهند جست، و آرامگاه او با جلال خواهد بود. و در آن روز واقع خواهد شد که خداوند بار دیگر، برای بار دوم،

دست خود را دراز خواهد کرد تا باقیمانده قوم خویش را که باقی مانده‌اند، از آشور، و از مصر، و از قتروس، و از کوش، و از عیلام، و از شینعار، و از حَما، و از جزایر دریا بازآورد. و او عِلْمی برای امت‌ها برخواهد افراشت، و رانده‌شدگان اسرائیل را گرد خواهد آورد، و پراکندگان یهودا را از چهار گوشه زمین جمع خواهد کرد. و حسدِ اِفرایم نیز زایل خواهد شد، و دشمنان یهودا منقطع خواهند گردید؛ اِفرایم بر یهودا حسد نخواهد برد، و یهودا اِفرایم را نخواهد آزد. بلکه ایشان بر شانه‌های فلسطینیان به سوی مغرب فرود خواهند آمد؛ با هم اهل مشرق را غارت خواهند کرد؛ دست خود را بر آدوم و موآب خواهند نهاد؛ و بنی‌عمون مطیع ایشان خواهند شد. اشعیا 11:10-14.

اشعیا در آیه دهم، با عبارت «در آن روز»، زمینه تاریخی این بخش را مشخص می‌سازد. بنابراین، آن «روز» در آیاتی که پیش از آیه دهم آمده‌اند، شناسایی شده است. هنگامی که این روایت نبوی خاص را به ارجاعی باز می‌گردانیم که به ما امکان می‌دهد مشخص کنیم «آن روز» چه زمانی است، به آیه یک باب دهم می‌رسیم.

وای بر آنان که احکام ناروا صادر می‌کنند، و بر نویسندگانی که مشقت و ظلمی را که مقرر داشته‌اند می‌نویسند. اشعیا 10:1.

خواهر وایت «فرمان ناعادلانه» این آیه را همان قانون یکشنبه‌ای به‌زودی در راه می‌داند:

«یک سبت بُتان برپا شده است، همان‌گونه که آن تمثال زرّین در دشت‌های دورا برپا گردید. و چنان‌که نبوکدنصر، پادشاه بابل، فرمانی صادر کرد که هر که در برابر این تمثال سر فرود نیاورد و آن را پرستش نکند، کشته شود، همچنین اعلامی صادر خواهد شد که همه کسانی که نهاد یکشنبه را حرمت نهند، به زندان و مرگ مجازات خواهند شد. بدین‌سان، سبتِ خداوند پایمال می‌شود. اما خداوند اعلام کرده است: «وای بر آنان که احکام ناعادلانه صادر می‌کنند و رنج و مشقتی را که مقرر داشته‌اند، به نگارش درمی‌آورند» [اشعیا 10:1]. [صفنیا 1:14-18]، Manuscript Releases, volume 14, 92

سیاق این‌که خداوند برای بار دوم قوم خویش را گرد می‌آورد، در تاریخ بحران نزدیک‌شونده قانون یکشنبه قرار داده شده است؛ زیرا در آیه دوازدهم باب دهم، اشعیا از این سخن می‌گوید که خداوند پیش از آن‌که دآوری اجرایی خود را در هنگام فرمان ناعادلانه، که همان قانون یکشنبه است، فرود آورد، کاری را در میان قوم خویش به انجام می‌رساند.

لهذا یوں ہوگا کہ جب خداوند کوہ صیون اور یروشلم پر اپنا سارا کام پورا کر چکے گا، تو میں اسور کے بادشاہ کے مغرور دل کے پھل اور اس کی متکبر نگاہوں کی شان کو سزا دوں گا۔ یسعیاہ 10:12.

«عمل بر صهیون و بر اورشلیم» که خداوند پیش از آن‌که مجازات پاپیت با قانون یکشنبه آغاز شود «به‌جا می‌آورد»، همان مهرگذاری صد و چهل و چهار هزار تن است. در حزقیال باب نهم، آن مرد دارای دوات کاتب از میان اورشلیم می‌گذرد و بر کسانی که «برای همه رجاسات به‌عمل آمده در زمین» و در کلیسا آه و ناله می‌کنند، نشانی می‌نهد. این کار، فرایند گرد آوردن بازماندگان اسرائیل از سوی خداوند را برای بار دوم نیز در بر می‌گیرد. او ایشان را از چهار گوشه زمین گرد می‌آورد، و «چهار گوشه زمین» به‌وسیله هشت ناحیه جغرافیایی نمود یافته است. عدد هشت، نماد فرایند آزمون تصویر وحش است؛ از این‌رو نشان می‌دهد که گردآوری نهایی کسانی که عِلْم خواهند بود، در دوره‌ای روی می‌دهد که آزمون تصویر وحش در زمین در حال اجراست.

وحدتی که در این عبارت نمایان شده است که «اِفرایم» «بر یهودا حسد نخواهد برد، و یهودا» «اِفرایم را نخواهد آزد»، هنگامی رخ می‌دهد که دشمنان یهودا منقطع شوند. از منظر نبوی، قوم پیشین عهد، که به‌وسیله یهودا، یا کنیسه شیطان، یا جماعت استهزاکنندگان، یا پروتستان‌های تاریخ میلریتی،

یا یہودیان تاریخ مسیح نمایانده می‌شوند، در نخستین نومیدی «منقطع می‌گردند». هنگامی که ارمیا همان تاریخ را بازنمایی می‌کرد، به او دستور داده شد که هرگز نتواند به جماعت استهزاکنندگان بازگردد، هرچند آنان اگر توبه را برمی‌گزیدند، می‌توانستند به سوی او بازگردند.

از ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ تا قانون یکشنبه، خداوند قوم آخرالزمانی خود را برای بار دوم جمع می‌کند. او ایشان را از سراسر جهان گرد می‌آورد، در طی دوره‌ای که در آن کار کامل خود را بر یهودا و اورشلیم به انجام می‌رساند. در آن زمان مهر زدن، قوم آخرالزمانی خدا ناشناخته خواهند بود، اما با این وجود با اتحادی سه‌گانه‌ای روبه‌رو خواهند شد که با کار ایشان مخالفت می‌کند.

کاتولیسیم در این اتحاد سه‌گانه، وحش است، و یکی از دختران آن همان طبقه‌ای است که خواهر وایت آن را کلیسای اسمی معرفی می‌کند. آنان نبی کاذب را نمایندگی می‌کنند. ادونتیس‌های لائودیکه‌ای اسمی، که به وسیله یهودا represented می‌شوند، در این بازنمایی اژدها هستند. شورش سال ۱۸۶۳ به وسیله شورش اسرائیل باستان در نخستین قادیان نمونه‌سازی شد، هنگامی که آنان برگزیدند که پیام یوشع و کالیب را رد کنند و به مصر بازگردند. مصر نمادی از اژدهاست.

اے ابن آدم، اپنا رخ مصر کے بادشاہ فرعون کے خلاف کر، اور اُس کے خلاف اور تمام مصر کے خلاف نبوت کر۔ کلام کر اور کہہ: خداوند خدا یوں فرماتا ہے: دیکھ، اے فرعون، مصر کے بادشاہ، میں تیرے خلاف ہوں، اے بڑے اژدہا، جو اپنی نہروں کے درمیان پڑا رہتا ہے، جس نے کہا ہے، میرا دریا میرا اپنا ہے، اور میں نے اُسے اپنے لیے بنایا ہے۔ حزقی ایل 2:29، 3۔

بغاوت در قادیان نمایانگر دهمین آزمایش در فرایند امتحانی بود که رد شدن و مرگ قوم برگزیده‌ای را که از مصر بیرون آورده شده بودند، به بار آورد؛ و همچنین نمونه آزمایش نهایی فرایند امتحانی‌ای بود که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ بر آدونتیسیم میلری فیلادلفیایی وارد شد و با بغاوت ۱۸۶۳ به پایان رسید. در واپسین پایان تاریخ اسرائیل باستان، یهودیان «فریاد برآوردند: "او را ببرید، او را ببرید، مصلوبش کن." پیلطس به ایشان گفت: "آیا پادشاه شما را مصلوب کنم؟" رؤسای کهنه پاسخ دادند: "ما را جز قیصر پادشاهی نیست."» در نخستین بغاوت و آخرین بغاوت، قوم سابق عهد، بر آن شدند که نماز اژدها (مصر و روم بت‌پرست) را به عنوان پادشاه خود برگزینند.

در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰، «خصمان یهودا» «منقطع شدند»، و هیکل صد و چهل و چهار هزار برپا گردید. تنها چیزی که باقی مانده بود این بود که هیکل تطهیر شود، پیش از آنکه رسول عهد ناگهان به هیکل خود بیاید. هیکل تاریخ میلری در طی چهل و شش سال، از ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴، بنا شد. در نخستین نومیدی ۱۹ آوریل ۱۸۴۴، پروتستان‌ها منقطع شدند و بخشی از کنیسه شیطان، انجمن استهزاگران، و دختری از روم گردیدند. از آن زمان تا ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، فرایندی از تطهیر رخ داد، پیش از آنکه امینان، مسیح را به قدس‌الاقداص پیروی کنند، تا او کار پیوند دادن الوهیت خویش به انسانیت ایشان را به انجام رساند.

تاریخ شاخ حقیقی پروتستان، که بار دوم اندکی پیش از فرمان ناراست گرد آورده می‌شود تا آن علمی باشد که خدا به کار می‌برد تا سایر گله خویش را از بابل فراخواند، در همان دوره‌ای رخ می‌دهد که در آن شاخ‌های مرتد جمهوری‌خواه و پروتستان به یکدیگر می‌پیوندند و زنا‌ی روحانی می‌ورزند؛ و بدین‌سان یک جسد، یا یک هیکل، می‌شوند که همان تصویر وحش است. هیکل خدا هم‌زمان در حال تشکیل صورت مسیح است.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

یہ وہ کلام ہے جو خداوند کی طرف سے یرمیاہ پر نازل ہوا کہ، خداوند کے گھر کے پھاٹک پر کھڑا ہو، اور وہاں یہ کلام پکار کر کہے، اے یہوداہ کے سب لوگو، جو ان پھاٹکوں سے خداوند کی عبادت کرنے کو داخل ہوتے ہو، خداوند کا کلام سنو۔ رب الافواج، اسرائیل کا خدا، یوں فرماتا ہے: اپنی روشوں اور

اپنے اعمال کو درست کرو، تو میں تمہیں اس جگہ میں بسنے دوں گا۔ ان جھوٹی باتوں پر بھروسا نہ کرو کہ، خداوند کا پیکل، خداوند کا پیکل، خداوند کا پیکل، خداوند کا پیکل یہی ہے۔ کیونکہ اگر تم اپنی روشوں اور اپنے اعمال کو حقیقتاً درست کرو؛ اگر تم آدمی اور اس کے پڑوسی کے درمیان پوری دیانت سے انصاف کرو؛ اگر تم پردیسی، یتیم اور بیوہ پر ظلم نہ کرو، اور اس جگہ بے گناہ خون نہ بہاؤ، اور اپنی ہلاکت کے لیے دوسرے معبودوں کے پیچھے نہ چلو: تو میں تمہیں اس جگہ میں، اس سرزمین میں جو میں نے تمہارے باپ دادا کو دی، ہمیشہ سے ہمیشہ تک بسنے دوں گا۔ دیکھو، تم جھوٹی باتوں پر بھروسا رکھتے ہو، جو نفع نہیں دے سکتیں۔ کیا تم چوری کرو گے، قتل کرو گے، زنا کرو گے، جھوٹی قسم کھاؤ گے، بعل کے لیے بخور جلاؤ گے، اور دوسرے معبودوں کے پیچھے چلو گے جنہیں تم نہیں جانتے؛ اور پھر اس گھر میں، جو میرے نام سے کہلاتا ہے، میرے حضور آ کھڑے ہو گے، اور کہو گے، ہم چھٹکارا پا گئے تاکہ یہ سب مکروہ کام کریں؟ کیا یہ گھر، جو میرے نام سے کہلاتا ہے، تمہاری نظر میں ڈاکوؤں کی کھوہ بن گیا ہے؟ دیکھو، میں نے خود اسے دیکھا ہے، خداوند فرماتا ہے۔

لیکن اب تم میرے اُس مقام پر جاؤ جو شیلوہ میں تھا، جہاں میں نے ابتدا میں اپنا نام قائم کیا تھا، اور دیکھو کہ میں نے اپنے لوگوں اسرائیل کی شرارت کے سبب اُس کے ساتھ کیا کیا۔ اور اب، چونکہ تم نے یہ سب کام کیے ہیں، خداوند فرماتا ہے، اور میں نے تم سے سویرے اُٹھ کر بار بار کلام کیا، لیکن تم نے نہ سنا؛ اور میں نے تمہیں پکارا، لیکن تم نے جواب نہ دیا؛ اِس لیے میں اِس گھر کے ساتھ، جو میرے نام سے کہلاتا ہے اور جس پر تم بھروسا رکھتے ہو، اور اُس مقام کے ساتھ جو میں نے تمہیں اور تمہارے باپ دادا کو دیا، وہی کروں گا جو میں نے شیلوہ کے ساتھ کیا۔ اور میں تمہیں اپنی نظر کے سامنے سے نکال پھینکوں گا، جیسے میں نے تمہارے سب بھائیوں کو، یعنی افرائیم کی ساری نسل کو، نکال پھینکا۔ پس تو اِس قوم کے لیے دعا نہ کر، نہ اُن کے لیے فریاد اور مناجات بلند کر، اور نہ میرے حضور اُن کی شفاعت کر، کیونکہ میں تیری نہ سنوں گا۔ کیا تو نہیں دیکھتا کہ وہ یہوداہ کے شہروں میں اور یروشلم کی گلیوں میں کیا کرتے ہیں؟ یرمیاہ 17:1-7۔